

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بدیل چیست؟!

(ترجمه)

سوالی که زیاد می‌شنویم؛ زمانی که سخن از کدام مشکل یا قضیه‌ای در سرزمین‌های اسلامی مطرح می‌شود، سوال کننده با تمام تلاش در عوض راه‌حل‌ها و معالجاتی که گرفته شده از اسلام است، از شما بدیل می‌خواهد(زیرا احکام اسلام تعطیل می‌باشد).

نخست باید یادآور شد که ما به لطف الله سبحانه و تعالی مسلمان هستیم و الله سبحانه و تعالی ما را برگزیده تا فقط برای او بنده باشیم و وقتی که ما بنده او هستیم پس او تعالی تنها کسی است که برای هر قضیه و مشکل ما راه‌حل و علاج بیان می‌دارد و راه حل را از شریعت و دین او می‌گیریم.

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا﴾ [احزاب: 36]

ترجمه: هیچ مرد و زن مؤمنی، در کاری که الله و پیامبرش داور کرده باشند (و آن را مقرر نموده باشند) اختیاری از خود در آن ندارند (و اراده ایشان باید تابع اراده الله و رسول باشد). هرکس هم از دستور الله و پیامبرش سرپیچی کند، گرفتار گمراهی کاملاً آشکاری می‌گردد.

به همین دلیل برای ما اجازه انتخاب میان راه‌حل‌های شرعی و راه‌حل‌های عقلی وجود ندارد و جواز ندارد تا از این سخن توسط گذاشتن و گرفتن راه‌حل‌های تجاوز کنیم که با شریعت و فکر ما مخالف است. در اینجا لازم به ذکر است که الله سبحانه و تعالی زندگی در سایه دولتی که به شریعت او سبحانه و تعالی حکم نماید، بر ما فرض گردانیده و زندگی زیر سایه احکام و نظام‌های کفر را بر ما حرام نموده است و او تعالی احکام و معالجات را مربوط و متعلق به وجود دولت اسلامی قرار داده است. چنانکه الله سبحانه و تعالی بر ما فرض گردانیده که هرگاه دولت اسلامی از واقعیت زندگی (مثل حالت امروز ما) ناپود گردید، بار دیگری آن دولت را تأسیس نمائیم و اجازه قبول نظام‌ها، احکام و سیستم‌های کفر را در زندگی خود ندهیم.

بعد از این که دولت اسلامی ناپود شد، طبیعی بود که دولت‌ها و نظام‌های بر ما حاکم گردد که مطابق به هوای نفس قانون‌گذاری کنند و قوانین و نظام‌های مخالف اسلام را تطبیق نمایند. به همین قسم حل مشکلات و قضایا با همان چیزی صورت می‌گیرد که معارض و مخالف با اسلام و احکام آن باشد. زمانی که در سرزمین‌های اسلامی تمام دولت‌های موجود امروز آن عبارت از دولت‌های مزدور غرب و وابسته به سیاست‌های آن است. به همین قسم تمام راه‌حل‌های سیاسی و اقتصادی و غیر آن بر آمده از همان غربی است که سینه اهل آن با عداوت و کینه اسلام و اهل اسلام پر می‌باشد و زمانی که تمام قضایا و راه‌حل‌ها مربوط به موجودیت دولت اسلامی است و دولت اسلامی نیز وجود ندارد و آنچه مسلط و حاکم است، استعمار و همکاران آن می‌باشد؛ در این صورت تمام قضایا و مشکلات ما گاهی بدون راه‌حل و گاهی با راه‌حل‌های مواجه

است که آن را غرب وضع و تحمیل نموده و با شریعت و دین ما مخالف است و در عین حال به خدمت سیاست و نقشه‌های غرب جنایت پیشه ظالم قرار دارد.

بعد از آن که دولت‌های استعماری در نابودسازی و پارچه پارچه ساختن دولت اسلامی پیروز شد، شروع به ترسیم نقشه زندگی مسلمانان در تمام بخش‌ها کرد و پس از آن که سرزمین‌های شان را تجزیه و تقسیم نمود؛ سرزمین مبارک فلسطین را به یهود سپرد تا در خاک آن دولتی برای خود تأسیس نماید. سپس برای حکام و مؤسسات خطسیر تعامل با این دولت اشغال‌گر را ترسیم نمود که اقدام اخیر آن تنازل‌شان از سرزمین فلسطین برای یهود و اعتراف به قانونی بودن رژیم پست آن بود. دولت‌های استعماری تلاش کردند تا قضیه فلسطین را به عنوان یک قضیه مخصوص به اهل آن گردانند و تلاش نمودند تا ارتباط آن را با امت اسلامی جدا سازند، سپس مبارزه آن را با اشغال‌گران از مبارزه نظامی به یک تقابل صلح‌آمیز انتقال دادند و آن را در گودال سازمان‌های ظالم بین‌المللی خود پرتاب کردند تا پیرامون آن رأی‌زنی نمایند و از آن تنازل کنند! بعد از این سناریو، دیدگاه‌شان را در محور و مورد قبول بعضی مردم قرار دادند و آنچه ترسیم نموده بودند، دولت‌های استعمار بر اساس آن گام برداشتند. در مورد قضیه فلسطین یک حرام است و مشغول شدن به آن منکر می‌باشد.

برعکس زمانی که مفکوره حرمت اعتراف به اشغال حتی به اندازه یک وجب از این سرزمین مبارک و حرمت سیر طبق نقشه‌های غرب کافر و گرفتن تصمیم‌های دولت استعماری مطرح می‌شود، متأسفانه کسانی را از فرزندان امت می‌بینی با تعجب، شگفت زده و با اعتراض می‌پرسند که بدیل چیست؟ از جمله مواردی که دولت‌های استعماری نسبت به قضیه فلسطین ترسیم نمودند، ایجاد نظام و مجلس قانون‌گذاری می‌باشد تا نظام و پارلمان به عنوان یک قضیه نزد اهل فلسطین قرار گیرد و مشارکت در این نظام و پارلمان آن حرام و منکر است، کسانی وجود دارد که باز از میان ما بیرون می‌شود که و با اعتراض می‌پرسد که بدیل چیست؟

از جمله نقشه‌های کفار در سرزمین‌های ما ایجاد بانک‌های سودی است تا جایی که غبار سود تمام مسلمانان را در بر گرفته است و زمانی که از حرمت و گناه سود صحبت شود، متأسفانه کسانی از میان ما بیرون می‌شود و با اعتراض می‌پرسد که بدیل چیست؟

قطعاً که اسلام به عنوان یک دین شامل برای تمام جوانب زندگی بوده و تمام معالجات و راه‌حل‌ها برای همه مشکلات و قضایای زندگی و پدیده‌های نوپیدا در آن وجود دارد. پس لازم است که تمام راه‌حل‌ها و معالجات از آن چیزی باشد که در آن آمده است و هرگاه این راه‌حل‌ها از زندگی ما غایب شد دوباره بازگرداندن آن بر ما لازم است و تجاوز به معالجات و راه‌حل‌های که مخالف با شریعت الله سبحانه و تعالی باشد، به دلیل نبود بدیل جواز ندارد؛ چنانکه بعضی از دعوت‌گران، پیروان و روندگان به سوی واقع‌گرایی خودشان را تبرئه می‌کنند. بنابراین یک گناه بزرگ است که مسلمانی راه‌حل‌های غیر اسلامی را به دلیل عدم موجودیت بدیل فوری بپذیرد.

سوال تعجب‌آوری که ذهن را مشغول می‌کند، این که چگونه مسلمانی به وحدانیت الله سبحانه و تعالی و حقانیت اسلام شهادت دهد، اما خواهان بدیلی برای حرام و منکر باشد؛ در حالی که الله سبحانه و تعالی بهترین، بزرگترین و والاترین قانون و احکام را نازل نموده است؟ و آن احکام و قوانین عبارت از اصل بوده و غیر آن باطل می‌باشد.

طرح سوال "بدیل چیست؟" یک امر ناپسند و مردود است که مناسب نیست از زبان مسلمان بیرون شود و حق همان پایبندی به راه‌حل‌ها و معالجاتی است که اسلام آورده و تلاش برای بازگشت همان دولت خلافتی که راه‌حل و معالج عملی و فعال برای تمام قضایا و مشکلات امت اسلامی و کافه بشریت است، همان خلافتی که زندگی و نور است و تمام قضایای امت را جمع می‌کند. بنابراین از ما می‌طلبد تا نفیس‌ترین و باارزش‌ترین‌ها را در مسیر بازگشت آن خلافت راشده بر منهج نبوت تقدیم کنیم.

نویسنده: استاد عطية الجبارين - سرزمین مبارک (فلسطین)

مترجم: احمد صادق امین